

تأثیر قرآن و حدیث بر رودکی

دکتر ناصر جان نثاری

حذف شود و از گانی بیش در توصیف و مدح و گاهی هجو و طنز بر جای نمی ماند. از رهگذر دیگر، فهم متون و دواوین شاعرانی که مایه های دینی و گرایش های مذهبی داشته اند، بدون بهره گیری از قرآن و حدیث امکان پذیر نیست. و این واقعیت در شاعران معاصر رودکی - علی رغم اصرار برخی که آنها را فقط شاعران درباری و خوشباشی بنداشته اند - به عیان مشاهده می گردد. در حقیقت قرآن و حدیث، دو منبع لایزال تغذیه شعر و تشریفاتی بوده و بیش از یک هزار سال آن رازنده و شاداب نگاه داشته است.

شاعران و ادیبان و مترسلان همواره برای تحصیل ملکه بلاغت و آرایش گفتار و توشیح مکاتیب و رسائل و قصاید و مقطعات خود، در به کارگیری آیات قرآن و احادیث نبوی می کوشیدند. چون می دانستند هیچ سخنی در این پایه ارج و قدر ندارد. بسیاری از امیران و وزرا که مشوق شعرا و حامی کتاب و نویسندگان بودند خود از رواة حدیث به شمار می رفتند و به قول استاد فروزانفر «از امرا و شهریاران سامانی امیر احمد بن اسد بن سامان (م ۲۵۰) و فرزندان وی ابو ابراهیم اسماعیل بن احمد (م ۲۹۵) و ابو الحسین نصر بن احمد (م ۲۷۹) و ابو یعقوب اسحاق بن احمد (م ۳۰۱) در طبقات روایت ذکر شده اند.» (۳)

شعرای پارسی گوی نیز غالباً در ضمن تعلم لغت و ادب از قرآن بهره می بردند و کتب حدیث را که بهترین نمونه کلام فصیح عربی است خوانده و در

قرآن و حدیث هم یادند هم یادگار به نازش می دار تا وقت دیدار قرآن آینه، جان عارفان، چراغ سینه، موحدان، نور دل دوستان، آسایش رنجوران و مرهم خستگان، شفای دردها و طبیب بیمار دلان است. قرآن، نامه دوست است برای دوست و دوستان، دندنه (۱) دوستان دانند و عاشقان، سخنان رمزی معشوق شناسند که:

بین المحبین سر لیس یفشیه
قول ولا قلم للخلق یحکيه (۲)
هر کس از این نامه دوست به قدر وصال برگردد و به همان قدر به عبارت در آورد که:

تا غنچه ی بشکفته ی این باغ که بوید؟
هر کس به زبانی صفت و حمد تو گوید
و درود بر آن که گفت: من «افضح العرب» هستم.
گفتارش از کلام خدا فروتر و از سخن مخلوق فراتر.
آن که انبیا و اولیا و صدیقان هر چه مرکب دوآیندند به اول قدم وی رسیدند.

آن که در تواضع با یتیمی راز کردی و بر جبرئیل ناز کردی، با غریبی بشستی و به بهشت ننگرستی.
ما در ماندگان عصر ماشین و فضا، همراه با رودکی و همعصران باصفا، می نشینیم بر سفره آن مائده های بی همتا، و بر می گیریم از کتاب خدا و حدیث رسول (ص) با بضاعت مزجاة.

بدون تردید، آیات قرآن و احادیث نبوی، مایه زینت و قوت و غنای ادب فارسی گردید. اگر این دو رکن رکن و این دو چشمه جوشان معرفت از آن

مقاله ای را که مطالعه می کنید درباره رودکی و شاعران همعصر وی است، با عنایت به توجهی که هر یک به آیات قرآن و روایات در آثار شعری خویش داشته اند، روشن است بررسی به آن چه از این عله به ما رسیده، ملاک بوده است.

حفظ داشته‌اند و از قدیمترین عهد تاثیر مضامین احادیث در شعر پارسی محسوس است، چنان که این قطعه رودکی:

زمانه پندی آزاد وار داد مرا

زمانه را چو نکو بنگری همه پند است

به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری

بساکسا که به روز تو آرزومند است (۴)

که تعبیری است شاعرانه و لطف آمیز از این حدیث: «انظروا الی من هو دونکم و لا تنظروا الی من هو فوقکم» (۵)

و یا این بیت رودکی:

این جهان پاک خواب کردار است

آن شناسد که دلش بیدار است (۶)

که به قول استاد فروزانفر: ترجمه گونه‌ای است از این حدیث: «الدنیا حلم»

و ظاهر آستاد سمرقند خود نیز از روایه حدیث، به شمار می‌رفته، هر چند که سمعانی درباره وی گفته است:

«لم ارله حدیثاً مسنداً (انساب ذیل رودکی)» (۷)

و به قول برتلس: «با این که رودکی به روایت‌های

ایرانیان آگاه بوده اما در پاره‌های برجای مانده

شعرهایش، داستان‌های قرآنی جایی بیشتر

دارد.» (۸) صاحب «ترجمان البلاغه» در صص

۱۲۵ و ۱۲۶ با عنوان «فی معنی الآیات

بالابیات» می‌گوید: «یکی از جمله صناعت آن است

که شاعر بیتی گوید که معنی وی نزدیک بود به معنی

قول خدای عزوجل، چنان که در محکم کتاب است

قوله تعالی:

«منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم» (۹)

رودکی گوید (مجثث)

چنان که خاک سر بستی به زیر خاک شوی

بنات خاک و تو اندر میان خاک آگین (۱۰)

قوله تعالی «انک میت و انهم میتون» (۱۱) رودکی

در بحر رمل گفته:

هر کرا رفت همی باید رفته شمرش

هر کرا مرد همی باید مرده شمر (۱۲)

و در مورد حدیث گفته: «یکی از جمله بلاغت،

آن است که شاعر بیتی گوید که آن بیت به معنی خبر

پیامبر (ص) درآید و یا حکمت معروف، چنان که

مخلدی گوید اندر قول پیامبر (ص): «من اصبح منکرم

آسانی سر به معافاتی بکنه و له قوت» سپس سه بیت

از مخلدی در بحر خفیف آورده» (۱۳)

متقابلاً اسلام آوردن ایرانیان و احترامی که

مسلمانان برای کتاب کریم آسمانی خویش قائل

بودند، همواره نفوذ زبان عربی را در ادب فارسی

مستقر و پای برجای نگاه می‌داشت. (۱۴)

شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث:

شاعران با قدرت تخیل، از واژه‌ها، تصاویر و

نقش‌های رنگارنگ می‌سازند و آنگاه که با آیات و

آشکار به این صورت است که شاعر آیه و حدیث را با همان ساختار عربی در سروده خود بیاورد، مثل این بیت مولانا که:

این جهان را که به صورت قائم است

گفت پیغمبر که حلم نائم است (۱۶)

که اشاره آشکار دارد به حدیث «الدنیا کحلم

النائم» (۱۷) و چه تناسب زیبایی دارد با بیت رودکی:

این جهان پاک خواب کردار است

آن شناسد که دلش بیدار است (۱۸)

و به صورت پنهان، وقتی است که شاعر مضمون

یا تصویری قرآنی - حدیثی را در شعر خویش بیاورد.

و یا سخن خود را بر پایه آیه یا روایتی بنیاد نهد بی آن

که به بهره‌گیری خود اشاره کند. در این شیوه، گاه

نشانه و قرینه‌ای حالی یا مقالی هست بر این که

گزینه مستقیم یا غیرمستقیم از آیه و حدیث بهره

گرفته است، مثل این بیت فیروز مشرقی:

مگر غیب و عیب است کایزد ندادت

دگر هر چه بایست دانی و داری

تعبیر غیب ندادن ایزد به مملوح یا معشوق شاعر،

الهام از آیاتی است که غیب دانی را ویژه خدا ساخته

که «و عنده مفاتیح الغیب لایعلمها الا هو» (۱۹) (نزد

اوست کلیدهای غیب و جز او کسی آنها را نمی‌داند؛

و گاهی تشابه و قرینه آشکاری نیست بر این که

گزینه مستقیماً سخن خویش را بر آن آیه یا حدیث

بنیاد نهاده باشد. مثلاً این بیت شهید بلخی:

دانشا چون در غم آبی از آنک

بی بهایی و لیکن از تو بهاست

که الهام گرفته از این حدیث که «قیمه کل امر

مایعلم» (ارزش هر کس به دانسته‌های اوست) در

بیت فوق، دو کلمه کلیدی «بها» و «دانش» ذهن ما را

به سمتی سوق می‌دهد که گویا شاعر در اندیشه اش

حدیث فوق تداعی می‌کرده است، و همین مفهوم در

شعر ناصر خسرو نیز آمده:

قیمت هر کس به قدر علم اوست

هم چنین گفته است امیر المؤمنین (۲۰)

گاهی اثرپذیری واژگانی است، و به چند صورت

انجام گرفته است:

۱- وام‌گیری: در این نوع ساختار واژه عربی حفظ

می‌شود، بی هیچ دگرگونی مثل واژه‌ی: تقوا، خور،

جنته.

۲- ترجمه: از پارسی شده واژه قرآنی - حدیثی،

بهره گرفته شده، مثل: شب قدر، ایمن و...

۳- برآیندسازی: بر پایه مضمون آیه یا حدیث یا

داستانی قرآنی - حدیثی، ساخته می‌شود مثل: ید

بیضا، سبقت، دم عیسی، نفس عیسی، پیراهن

یوسف، کلیه احزان، آتش موسی، طوفان نوح،

کشتی نوح، عمر نوح، ملک سلیمان، نگین سلیمان،

صبر ایوب.

با این که برخی از این واژه‌ها قبل از اسلام نیز بوده

□ مسعودی مروزی از شاعران

اوایل قرن چهارم، نخستین کسی

است که شاهنامه سرود. از این

منظومه فقط سه بیت مانده که باید

آن را در عداد قدیمترین اشعار

فارسی کرد. دو بیت مربوط به

کیومرث و یک بیت خطاب به شاه

- در پایان پادشاهی ساسانیان -

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

سروده است.

است، اما پارسی‌زبانان از راه قرآن و حدیث با این واژه‌ها آشنا شده‌اند، بیشتر بهره‌سرونده‌های قرن ۳ و ۴ (معاصران رودکی) از این دست هستند.

گاهی اثرپذیری گزاره‌ای است از جمله: اقتباس، تضمین، حل (تحلیل)، ترجمه، اشاره، التفات، تلمیح، تمثیل.

که برای پرهیز از اطاله کلام از تعریف و نوع کاربرد هر کدام صرف‌نظر کردیم. علاوه بر شیوه‌های ذکر شده، ممکن است شاعر، شیوه چندسویه داشته باشد. در شیوه چندسویه شاعر از چند روش بهره می‌گیرد یعنی چند روش را با هم جمع می‌کند، به طوری که موسیقی، صور خیال، تصویرهای بدیع که حاصل آن در زبان ادبی؛ تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تشخیص باشد با هم جمع شود.

نخستین شاعر پارسی‌گوی:

در فصل اول، در این موضوع سخن گفتیم، حقیقتاً تعیین اولین شاعر فارسی بعد از اسلام، مشکل، بلکه غیرممکن است، زیرا دهقانان و زارعین ایرانی نژاد که همیشه تخم ذوق را در مزرع دل‌های خود می‌کاشته، همه اوقات با زمزمه‌ها و سروده‌های مخصوص کشت و زرع و کارهای خود را انجام می‌داده‌اند و همان عصری که عرب بر جمیع نقاط این مملکت استیلا داشته، همه جا فرمان نسخ زبان و شعر و آداب ایرانی را عملاً صادر می‌نموده، به کار خود سرگرم بودند. عجالتاً اولین شاعر در تاریخ ادبیات فارسی، محمد بن وصیف سیستانی از منشیان یعقوب و عمرو بن لیث است.

عباس اقبال آشتیانی در مجموعه مقالات، از تاریخ سیستان که موضوع را ذکر کرده، تشکر نموده و گفته: اول کسی که به این موضوع و به اهمیت مندرجات تاریخ سیستان برخورد استاد بزرگوار و دانشمند گرانمایه عبدالعظیم خان گرگانی است که مقاله جامعی در مجله اصول تعلیم شماره ۲ در سال ۱۲۹۹ نوشته است. (۲۱)

دکتر محمد دبیر سیاقی در

مقدمه‌ی کتاب پشاهنگان شعر پارسی ص ۱۰ قول دکتر صفارا نقل نموده که نخستین شاعرانی که نام آنان در مآخذ تاریخی آمده است اینان‌اند:

حفظله بادغیسی (۲۲۰ وفات)، محمود وراق هروی (۲۲۱)، محمد بن وصیف سگزی معاصر یعقوب لیث، پیروز مشرقی (۲۸۳)، بوسلیک

شعر کرده، به نظر ما صحیح‌تر از سایر اقوال است. (۲۳)

دکتر محجوب در آغاز سبک خراسانی در شعر فارسی نیز بعد از تعریف شعر که کلام مخیل، منظم و موزون به وزن عروضی است. می‌گوید: قدیم‌ترین قطعه که شعر فارسی موزون به وزن عروضی است، قسمتی از قصیده‌ای است که محمد بن وصیف سگزی دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری در هنگامی که یعقوب زنبیل و عمار خارجی را بکشت و هری بگرفت و سیستان و کرمان و فارس او را دادند، سروده شده که:

ای امیری که امیران جهان خاصه و عام بنده و چاکر و مولای و سگ بند و غلام (۲۴) و دکتر صفا تمام این شعر را آورده است: (۲۵) ازلی خطی در لوح که ملکی

بلهید
با بی‌یوسف یعقوب بن اللیث
همام
بلتام آمد زنبیل ولتی خورد بلنک
لتره شد لشکر زنبیل و هبا
گشت گنم
لمن الملک بخواندی تو امیرا به
یقین
یا قلیل الفته کت زاد در آن لشکر
کام
عمر عمار تو را خواست و
زوگشت ببری
تیغ تو کرد میانجی به میان دد و
دام
عمر او نزد تو آمد که تو چون نوح
بزی
درا کار (۲۶) تن او سر او باب
طعام (۲۷)
به روایت تاریخ سیستان، او
اولین کسی است که به تقلید از
اشعار عربی، شعر فارسی سروده
است (۲۸)

محمد بن وصیف سگزی (سیستانی)
محمد بن وصیف در نیمه دوم
قرن سوم می‌زیسته و از منشیان
یعقوب و عمرو لیث صفاری بوده
است. مدرک معتبر این عقیده
کتاب «تاریخ سیستان» است که مؤلف آن تاکنون
معلوم نشده و این کتاب بین سال (۶۷۵ تا ۶۸۰
ه.ق) نوشته شده است. حدود ۲۳ بیت از او به جا
مانده که شامل دو قصیده ناقص و دو قطعه
است. (۲۹) چنان که گفته شد:
چون یعقوب لیث، زنبیل و عمار خارجی را

□ راودیانی در «ترجمان البلاغه»

می‌نویسد: یکی از جمله بلاغت آن

است که شاعر بیتی گوید که آن بیت

به معنی خبر پیامبر (ص) در آید با

حکمت معروف. چنان که مخلد

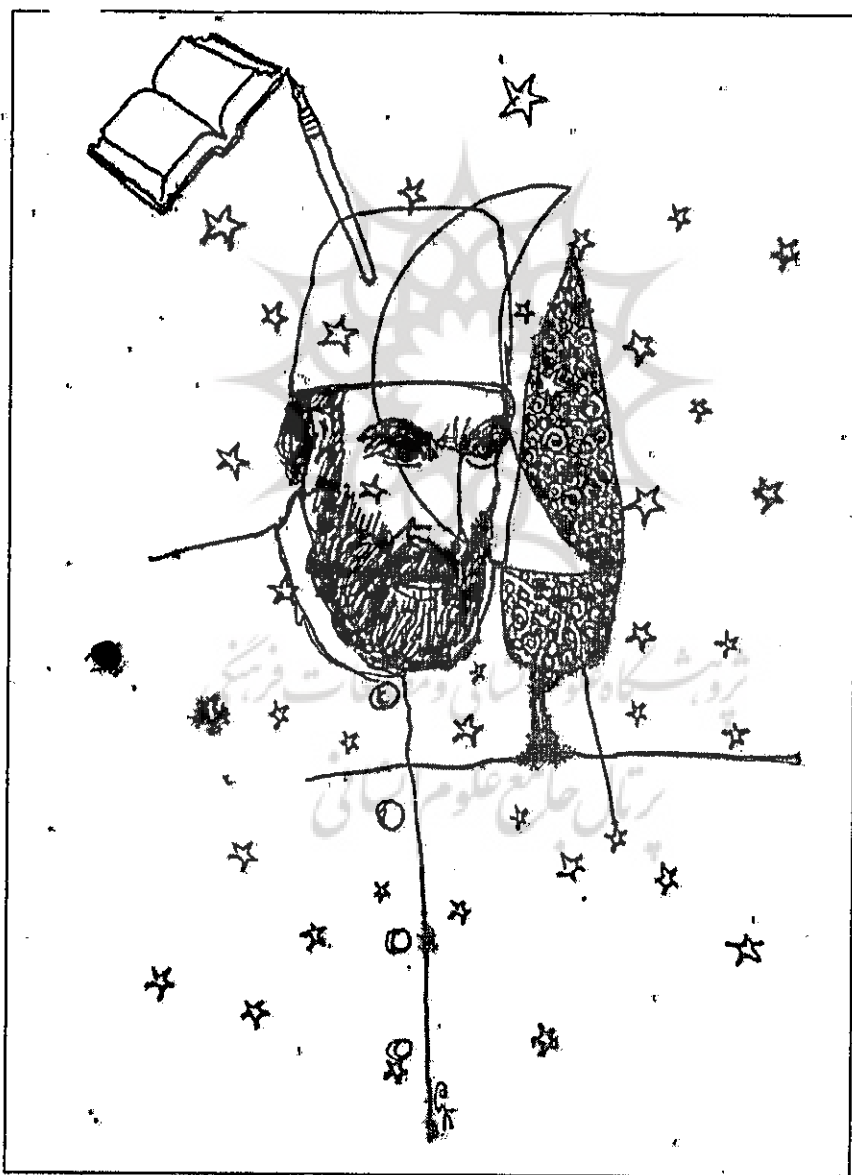
می‌گوید اندر قول پیامبر (ص): من

اصبح منکم آمنافی سر به معافافی

بدنه و له قوت» سپس سه بیت از

مخلدی در بحر خفیف

آورده است.



گرگانی معاصر عمرو اللیث، مسعودی مروزی، صاحب نخستین شاهنامه منظوم پیش از فردوسی (۲۲).

سپس دکتر صفامی گوید: روایت تاریخ سیستان در این که محمد بن وصیف اقدم شاعری است که به وزن‌های معمول در ادب فارسی شروع به ساختن

بکشت و هری بگیرفت و سیستان و کرمان و فارس
او را دادند. محمد بن و صیف گفت:

لمن الملك بخواندی تو امیرا به یقین
با قلیل الفته کت زاد در آن لشکر کام
عمر او نزد تو آمد که تو چون نوح بزی
در آکار تن او سر او یاب طعام (۳۰)

مصرع اول، اشاره و تلمیحی است به گزاره قرآنی
«لمن الملك اليوم لله الواحد القهار» (۳۱) [در روز
قیامت ندا آید] امروز فرمانروایی از آن کیست؟
[پاسخ آید] از آن خداوند یکتای قهار
همچنین آیه: الملك يومئذ لله (۳۲) (حکومت
امروز از آن خداوند است)

مصرع دوم، تلمیحی است از این گزاره قرآنی که:
کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة (۳۳) (چه بسیار
گروهی اندک که بر گروهی انبوه، پیروز شد)
بیت دوم، تلمیح است به عمر حضرت نوح (ع):
که در قرآن آمده:

«ولقد ارسلنا نوحا الى قومه فلبث فيهم الف سنة
الا خمسين عاما» (۳۴) (و همانا ما نوح را به رسالت به
سوی قومش فرستادیم او هزار سال، پنجاه سال کم،
میان مردم خود درنگ کرد).

علاوه بر آیات ذکر شده، در آیات زیر نیز به
صورت تلمیح گزارش شده است. (۳۵)
در قطعه دیگر می گوید:

کوشش بنده سبب از بخشش است
کار قضا بود و تو را عیب نیست
بود و نبود از صفت ایزد است
بنده در مانده بیچاره کیست؟
اول مخلوق چه باشد؟ زوال
کار جهان اول و آخر یکیت
قول خداوند بخوان: فاستقم
معتقدی شو و بر آن بریاست (۳۶)

بیت نخست الهام گرفته از آیات و روایتی که
قضای خدا را بر رضای ما و تقدیر او را بر تدبیر ما،
غالب می دانند از جمله:

احادیث متعدد از جمله از علی (ع) که فرمود: ان
الله سبحانه یجری الامور علی ما یقتضیه لا علی ما
ترتضیه (۳۷)

(خداوند هر کار را آن گونه که خود می خواهد
سامان می دهد، نه آن گونه که تو می پسندی) یا
«الامور بالتقدیر لا بالتدبیر» (۳۸) (کارها با تقدیر
خداوند سامان می پذیرد، نه با تدبیر بنده).

بیت دوم، الهام گرفته از آیاتی چون: «وما تشاؤون
الا ان یشاء الله» (۳۹) (و چیزی را نمی خواهید، جز
آن که خدا بخواهد).

و آیه «ان تصبهم حسنه یقولوا هذا من عند الله وان
تصبهم سیئة یقولوا هذه من عندك قل كل من
عند الله» (۴۰) (اگر خیری بدیشان رسد، گویند این
از سوی خداست و اگر شری بدیشان رسد، گویند

نام او در ردیف اولین شاعران پارسی گوی است. از
شعر بسام یک قطعه پنج بیتی در مدح یعقوب لیث و
شکست عمار خارجی باقی مانده است. (۴۶)

از پنج بیت ذکر شده بیت زیر:
مکه حرم کرد عرب را خدای
عهد تو را کرد حرم در عجم

اشاره می نماید به آیه «جعل الله الکعبة البیت
الحرام قیاماً للناس و الشهر الحرام» (۴۷)

(قرار داد خداوند کعبه را خانه احرام برای نگهبانی
از مردم و نیز ماه حرام را حرمت داد). همچنین آیات
۱ و ۲ سوره بلد.

محمد بن مخلص سگری

محمد بن مخلص هم سگری بود، مردی فاضل بود
و شعر پارسی گفته و در تاریخ سیستان یک قطعه سه
بیتی از وی نقل شده که در مدح یعقوب و شکست
عمار است. (۴۸)

جز تو نژاد آدم و حوا نکشت
شیر نهادی به دل و بر منشت
معجز پیغمبر مکی تویی
به کنش و به منیش و به گوشت
فخر کند عمار (۴۹) به روز بزرگ
گوید آتم من که یعقوب کشت

در این سه بیت، غیر از اثرپذیری های واژگانی
مثل: آدم، حوا، معجز پیغمبر مکی، ترکیب «روز
بزرگ» ترجمه ای است از ترکیب قرآنی یوم عظیم
که بارها در وصف قیامت به کار رفته است، از جمله:
«قل انی اخاف ان عصیت ربی عذاب یوم
عظیم» (۵۰)

(بگو من اگر نافرمانی خدای خود کنم از عذاب آن
روز بزرگ سخت می ترسم) (۵۱)

ابوسلیک گرگانی

از شاعران معاصر عمرو لیث صفاری (۲۸۷-
۲۶۵) است. منوچهری در قصیده ای، نام او را در
ردیف شاعران نامدار پیش از خود ذکر کرده است.

بوالعلاء و بوالعباس و بوسلیک و بوالمثل
آنکه از ولوالج آمد آنکه آمد از هری
از اشعار او ۱۱ بیت، شامل دو قطعه دو بیتی و
هفت مفرد باقی مانده است. (۵۲)

خون خود را گر بریزی بر زمین
به که آب روی ریزی در کنار
بت پرستیدن به از مردم پرست
پند گیر و کار بند و گوش دار

برداشتی هنرمندانه از آیه (۵۳) و همچنین حدیث:
ذیوا عن اعراضکم باموالکم (۵۴) با اموالتان از
آبرویان دفاع کنید) و عرض المؤمن افضل من دمه
(آبروی مؤمن بالاتر از خون اوست)

فیروز مشرقی

شاعر عهد صفاریان و معاصر عمرو لیث صفاری
(۲۸۷-۲۶۵) است و به سال ۲۸۳ هـ. ق. وفات

ابوالحسن شهید بن حسین

جهودانگی بلخی از بزرگترین

شاعران اوایل قرن چهارم است.

مقام وی در بشاعری چنان است که

معاصران و شاعران قرون بعد به

احترام و بزرگی از او نام برده اند و

گاه او را در کنار رودکی قرار

داده اند. وی علاوه بر شاعری، از

حکمت و خطاطی نیز بهره داشتند،

مباحثات او با محمد زکریای رازی

مشهور است.

این از سوی خود تراست. بگو: همه از سوی خداوند
است. (۱)

بیت چهارم، اشاره است آشکار به آیه «فاستقم کما
امرت و من تاب معک و لا تطغوا انه بما تعملون
بصیر» (۴۱) (آن گونه که فرمان یافته ای پایداری کن و
کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کرد. و هیچ از
حدود الهی تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما
می کنید داناست. (۲)

در شعر دیگری که یا قطعه است، یا بخشی از یک
قصیده می گوید:

هر چه بگردیم بخوایم دید
سود ندارد ز قضا احتراست (۴۲)

مصرع نخست برگرفته از آیاتی است، چون:
«فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره و من یعمل مثقال
ذرة شریرا» (هر کس به اندازه ذره ای نیکی کند، آن
را می بیند و هر کسی به اندازه ذره ای بدی کند، آن را
می بیند). (۴۳)

و مصرع دوم از حدیثی است به صورت: اذا نزل
القدر بطل الحذر (۴۴) (چون قدر فرود آید، حذر
کار ساز نیست)

و حدیث دیگر: «اذا کان القدر لایرد فلاحتراست
باطل» (۴۵) (اگر قدر ناشدنی است، پس احتراست
و پرهیزی جاست. (۳)

بسام کورد

بسام کورد از خوارج عهد یعقوب لیث بود که به
صلح نزد او آمد و در مدح یعقوب، شعرهای بسیار
به روش محمد بن و صیف گفت. در تاریخ سیستان

کرده است. از میان اشعار او ۹ بیت شامل ۳ قطعه دو بیتی و سه بیت مفرد برجای مانده است. (۵۵)
از اشعار اوست:

مگر غیب و عیب است که اینزد ندادت
دگر هر چه پایست دانی و داری (۵۶)

تعبیر غیبت ندادن اینزد به ممدوح یا معشوق شاعر، الهام از آیاتی است که غیب دانی را ویژه خدا دانسته. مانند: «وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو» (۵۷) (نزد اوست کلیدهای غیب و جز او کسی آنها را نمی داند)، و آیه «لا یعلم من فی السموات والارض الغیب الا الله» (۵۸) (جز خداوند هیچ کس از آسمانیان و زمینیان غیب نمی داند)

محمود و راق هروی

بنا به قول هدایت در «مجمع الفصحا»، معاصر ملوک طاهریان و صفاریان بوده است و تاریخ وفات او را ۲۲۱ نوشته است. از اشعار او فقط دو بیت در قالب دوبیتی برجای مانده است. که زمینه ای برای استفاده از آیه و حدیث ندارد. (۵۹)

حفظله بادغیسی

بسیاری از صاحب نظران بر آنند که او اولین شاعر پارسی گوی ادب فارسی است. دکتر صفا از قول عوفی می گوید: او از معاصران دولت آل ظاهر بوده است. ادوارد بران، دوران زندگی او را بین (۲۰۵ تا ۲۵۹ هـ. ق) بر شمرده و رضازاده شفق در تاریخ ادبیات خود، وفات او را (۲۲۰ هـ. ق) تخمین زده است.

استاد همایی به نقل از تقی زاده (مجله کاوه، شماره اول، سال دوم، ص ۱۳) او را قدیم ترین شاعر ادب فارسی می داند.

استاد فروزانفر نیز در اول سخن و سخنوران از حفظله بادغیسی نام می برد و به همان چهار بیت معروف که بقیه از جمله عوفی و نظامی عروضی از آن یاد کرده اند، اشاره می کند.

پارم سپند اگر چه بر آتش همی فکند

از بهر چشم تا نرسد مرو را گزند

او را سپند و مجمر ناید همی به کار

باروی همچو آتش و با خال چون سپند

و این دو بیت که نظامی عروضی در چهار مقاله آورده:

مهوری گر به کام شیر در است

شو خطر کن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و ناز و نعمت و جاه

یا چو مردانت مرگ رویا روی

سپس می گوید: نسبت این ابیات بدین گونه که هست، سخت دشوار می آید. بخصوص که روایات نظامی عروضی غالباً با موازین تاریخی سازگار نیست، و تنها جنبه ادبی و فصاحت آنها معتبر است. (۶۰)

کتاب «شاعران بی دیوان» نیز به ۵ بیت از او نقل

ساخته است. رساله ای در لغت فارسی قرن ها به وی منسوب بود، تنها بیت او این است.

آهوی کوهی در دشت چگونه دودا

چون ندارد یاری یار چگونه رودا (۶۵)

مسعودی مروزی

از شاعران اوایل قرن چهارم و نخستین کسی است که شاهنامه سرود. از این منظومه، فقط سه بیت مانده که باید آن را در عداد قدیمترین اشعار فارسی ذکر کرد. دو بیت مربوط به کیومرث و یک بیت خطاب به پادشاهی، (در پایان پادشاهی ساسانیان) سروده است. (۶۶) که زمینه بهره از آیه و حدیث ندارد.

سپهری بخارایی

سپهری بخارایی یا ماوراءالنهری از شاعران معروف اوایل قرن چهارم هجری است که مداح امیران اولیه سامانی بوده است. او معاصر با ابوالمؤید رونقی بخارایی و ابوالمثل بخارایی بوده و احتمالاً زمان رودکی را درک کرده است. از اشعار او، فقط یک قطعه دوبیتی باقی مانده که زمینه ای برای بهره از آیه و حدیث ندارد. (۶۷)

رونقی بخارایی

ابوالمؤید رونقی بخارایی شاعر اوایل قرن چهارم است که در دوره اولیه امرای سامانی می زیسته. از اشعار او دو قطعه دوبیتی به جا مانده است. (۶۸) هدایت در مجمع الفصحا ص ۲۰۱ رونقی را با ابوالمؤید بلخی شاعر و نویسنده همان دوره اشتباه گرفته است. در اشعار او موردی برای بهره از آیه و حدیث دیده نشد.

احمد برمکی

احمد بن جعفر یحیی برمکی مورخ و ستاره شناس و ادیب بود که به دو زبان فارسی و عربی شعر می سرود. اما نام او در هیچ یک از تذکره ها ذکر نشده.

از اشعار او، تنها یک بیت مانده که زمینه بهره از آیات و احادیث ندارد (۶۹) وفات او در سال ۳۲۴ یا ۳۲۶ اتفاق افتاده.

شهید بلخی

ابوالحسن شهید بن حسین جهودانکی بلخی از بزرگترین شاعران اوایل قرن چهارم است. مقام وی در شاعری چنان است که معاصران و شاعران قرون بعد به احترام و بزرگی از او نام برده اند و گاه او را در کنار رودکی قرار داده اند. وی علاوه بر شاعری، از حکمت و خطاطی نیز بهره داشته، مباحثات او با محمد زکریای رازی مشهور است. شهید، مداح امرای سامانی بود و شعرش مملو از مفاهیم و مضمون های حکمی و اخلاقی است. او در شیوه غزل نیز استاد بوده. سال وفات او را ۳۲۵ ذکر کرده اند. از میان اشعارش، آنچه در کتاب های لغت و تذکره و ادب جمع آمد ۱۰۲ بیت است. (۷۰)

او مورد احترام رودکی و شاعران بعد از خود

□ ابو حفص حکیم بن احوص

سغدی از شاعران اوایل قرن چهارم

هجری است که در گذشته، برخی او

را، اولین شاعر فارسی زبان و تنها

بیت منقول او را، نخستین شعر

سروده شده فارسی می دانستند.

ابو حفص موبسینقیدان نیز بوده

است و آلت شهرود از مخترعات

اوست که در سال ۳۰۰ یا ۳۰۷ آن را

ساخته است.

کرده است. دو قطعه دو بیتی و یک فرد. دکتر صفا از قول تاریخ گزیده، ص ۲۰ می گوید: استماع دو بیت اول را به جد سامانیان هم نسبت داده اند.

دو بیت بعدی یعنی:

مهوری گر به کام شیر در است

شو خطر کن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و ناز و نعمت و جاه

یا چو مردانت مرگ رویا روی (۶۱)

اشاره بسیار ادیبانه ای است به آیه:

ولئن قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفرة من الله و

رحمة خیر مما یجمعون (۶۲)

(و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید در آن جهان به آمرزش و رحمت خداوند نائل شوید و آن بهتر از هر چیزی است که در حیات دنیا برای خود فراهم

توان آورد)

و حدیث: اطلبوا الحوائج بعزة الأنفس فان الأمور تجری بالمقادیر (حوائج خویش را با عزت نفس بجوید، زیرا کارها جریان مقدر دارد). (۶۳)

و حدیث: من اعتر بالعبید اذلة الله (هر کس به وسیله بندگان عزت جوید، خدایش ذلیل کند) (۶۴)
ابو حفص سغدی

ابو حفص حکیم بن احوص سغدی از شاعران اوایل قرن چهارم هجری است که در گذشته، برخی او را، اولین شاعر فارسی زبان و تنها بیت منقول از او را، نخستین شعر سروده شده فارسی می دانستند. ابو حفص موبسینقیدان نیز بوده است و آلت شهرود از مخترعات اوست که در سال ۳۰۰ یا ۳۰۷ آن را

بوده، رودکی می گوید:

کاروان شهید رفت از پیش

و آن مارفته گیر و می اندیش

از شمار دو چشم یک تن کم

وز شمار خرد هزاران بیش (۷۱)

از جمله ممدوحان او نصر بن احمد سامانی و ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی است. در سبک خراسانی از قول لباب الالباب و ترجمان البلاغه و احوال و اشعار رودکی، به ۱۰۰ بیت او اشاره شده که شش بیت به عربی و بقیه به فارسی است و غزلی کامل و پنج بیت مثنوی و بقیه به شکل رباعی، دو بیتی، قطعه، و قصیده است. و بی رغبتی او را به مثنوی سرایی نشان می دهد. (۷۲) بر تلسن در تاریخ ادبیات فارسی - تاجیکی، که از شهید بلخی سخن می گوید او را هم دوره، رودکی که قبل از او وفات یافته است، معرفی می کند.

اشعار او بیشتر مدیحه های پر شکوه که در آمدش نگاره طبیعت بوده است. J. Darmesteter در کتاب [پیدایش شعر فارسی، مسکو، ۱۹۲۴، ص ۳۴] شهید را نخستین شاعر بدبین در ادبیات فارسی نامیده. اما به اندیشه ما این بیت های غمناک شهید نه از خوی بدبینانه او، بلکه بیشتر از پیکار سخت برای سروده های مردمی، برای زنده کردن سنت های کهن میهنی و علیه برتر دانستن ادبیات تازی که او در سراسر زندگی به ناچار به آن پرداخته بود برخاسته است. اما اشراف شعرهای او را نپسندیدند. چنان که سعید نفیسی یادآور شده شهید نه تنها به خوبی به تازی و پارسی شعر می گفت حتی می نماید که دانشمند برجسته روزگار خویش هم بوده است. (۷۳)

از اشعار او است:

۱- شیشه ام که بهشت آن کسی تواند یافت

که آرزو برساند به آرزومندی (۷۴)

به نظر می رسد بیت فوق از حدیث زیر الهام گرفته که رسول (ص) فرمود: من قضی لمؤمن حاجة قضی الله له حوائج كثيرة ادناهن الجنة (۷۵) (هر کس نیاز مؤمنی را برآورد، خدا نیازهای فراوان او را برآورد که از همه کمتر، بردن به بهشت است) و حدیث دیگر: «من سر مؤمنًا فقد سرنی و من سرنی فقد سر الله» (۷۶) (هر که مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده و هر که مرا شاد کند، خدا را شاد کرده).

۲- به منجیق عذاب اندرم چو ابراهیم

به آتش حسراتم فکنند خوانندی (۷۷)

مصراع اول تلمیح دارد به آیه «قالوا حر قوه وانصروا الهتکم ان کنتم فاعلین قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم» (۷۸) (گفتند سخت بسوزانیدش و یاری کنید خدایان خویش را اگر هستیدکنندگان، گفتیم ای آتش باش سرد و سلامت بر ابراهیم).

یستغفرون بالاسحار» (۸۸) (همانا بهترین بندگان که خداوند آنها را دوست دارد، کسانی هستند که در سحر استغفار می کنند).

و حدیث: «رحم الله عینا بکت من خشية الله و رحم الله عینا سهرت فی سبیل الله» (۸۹) (خداوند رحمت کند دیده ای که از ترس خدا بگرید و زحمت کند دیده ای را که در راه خدا بیدار بماند)

۵- ابر چون چشم هند بن عتبه است
برق مانند ذوالفقار علی (۹۰)

شاعر از حدیث: لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار (هیچ جوانمردی مثل علی و هیچ شمشیری مثل ذوالفقار علی نیست) بهره گرفته. این بیت اشاره می کند به جنگ علی (ع) با ابوالولید بن ربیع بن عبد شمس بن عبد مناف معروف به عتبه و گریستن دخترش هند زوجه ابوسفیان پسر مرگ پدر، شاعر با مسامحه به جای هند بنت عتبه، گفته هند بن عتبه. مرحوم دهخدا، ذیل ذوالفقار این حدیث را آورده و دو بیت از شهید بلخی نقل کرده، از جمله بیت بالا.

۶- اگر غم را چو آتش دود بودی
جهان تاریک بودی جاودانه

در این گیتی سراسر گر بگردی
خردمندی نیایی شادمانه (۹۱)

احتمالاً شاعر در ذهن خود به آیات و احادیث زیر نظر داشته است:

انما یخشی الله من عباده العلماء (۹۲) (همانا دانشمندان از خدای می ترسند و اندوهناکند) لقد خلقنا الانسان فی کبد (۹۳) (ما انسان را در رنج و اندوه آفریدیم)

و ما یذکر الا اولوالالباب (۹۴) (یادآور نشوند جز خردمندان)
و احادیث زیر:

ان فی الجنة درجة لا ینالها الا اصحاب الهموم (۹۵)
(در بهشت درجه است که جز غم دیدگان بدان نمی رسند)

الایمان بالقدر ینهب الهم و الحزن (۹۶) (اعتقاد به تقدیر غم و اندوه را می برد)

۷- ای کار تو ز کار زمانه نمونه تر
او باشگونه و تو از او باشگونه تر (۹۷)

با توسع می توان این بیت را با آیه «اولئک الذین حیطت اعمالهم فی الدنيا و الاخرة و مالهم من ناصرین» (۹۸)

(آنانند که تباه شد کارهای آنها در دنیا و آخرت و نیست برای آنها یاورری) مرتبط دانست.

۸- همه دیانت و دین ورز و نیکوایی کن
که سوی خلد برین با شدت گذرنامه (۹۹)

تلمیح دارد به آیه: و بشر الذین آمنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجری من تحتها الانهار كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا... و لهم فيها ازواج مطهرة و هم فیها خالدون (۱۰۰) (و مؤدده آنها را که

سپهری بخاری یا ماوراءالنهری

از شاعران معروف اوایل قرن چهارم

هجری است که مداح امیران اولیه

سامانی بوده است. او معاصر با

ابوالمؤید رونقی بخاری و

ابوالمثل بخاری بوده و احتمالاً

زمان رودکی را درک کرده است. از

اشعار او، فقط یک قطعه دو بیتی

باقی مانده

۳- دانشا چون در بغم آبی از آنک

بی بهایی ولیکن از تو بهاست
بی تو از خواسته مبادم گنج

هم چنین زاروار با تو رواست
با ادب را ادب سپاه است

بی ادب با هزار کس تنهاست (۷۹)

بیت نخست الهام گرفته از آیه «یرفع الله الذین آمنوا و الذین اوتوا العلم درجات...» (۸۰) (خدا مؤمنان را از میان شما بالا برد و آنان را که دانش داده اند پایه های است). و حدیث: قيمة كل امرء ما یعلم (ارزش هر کس به دانسته های او است) (۸۱)

بیت دوم و سوم، مرتبط است با این سخن علی (ع) که: حسن الادب خیر موارز و افضل قرین (۸۲) (ادب نیکو، بهترین یاور و برترین همنشین است) و با این حدیث از نهج البلاغه علی (ع) که «العلم خیر من المال» (علم بهتر از مال است) و حدیث «حسن الادب من الايمان» (۸۳) و من لا ادب له لا عقل له (۸۴) (کسی که ادب ندارد عقل ندارد)

۴- رعده می نالد مانند من
چونکه بنالم به سحرگاه زار (۸۵)

احتمالاً شاعر از آیه زیر الهام گرفته است:

«و من اللیل فتهجد به نافلة لک عسی ان ینعک ربک مقاما محمودا» (۸۶) (به شب خیز و نماز کن، این افزودنی است بر تو، باشد که خدایت به مقام محمود مبعوث گرداند) و حدیث: «تسحروا فان فی السحور برکة» (۸۷) (سحر خیز باشید که در سحر برکت است) و حدیث: «ان احب احبای الی الذین

ایمان آوردند و کردار شایسته که ایشان راست باغ‌هایی که روان است از زیر آنها نهرها هرگاه روزی منمند شوند از آن میوه‌ها گویند این است همان که روزی منمند بودیم از پیش و آورده شدنش همانند و ایشان راست در آن زمانی پاک شده و ایشانند در آن جاودان» (۱۰۱)

و حدیث «لا یدخل الجنة احدکم حتی یرحم العامة کما یرحم احدکم خاصة» (۱۰۲)
(احدی از شما وارد بهشت نمی‌شود، مگر این که خواص شما به عوامل شما رحم کنند.)

و حدیث «لا یرحم الله من لا یرحم الناس» که ترجمه آن شعر مولانا است:

اشک خواهی رحم کن بر اشک بار
رحم خواهی بر ضعیفان رحم آر (۱۰۳)

□ □

۹- چو سد یا جوج بایدی دل من
که باشدی غمزگانش راسپرا (۱۰۴)

اشاره است به داستان یا جوج و ماجوج و سربر آوردن ذوالقرنین در برابر ایشان که در آیات ۸۳ تا ۹۷ سوره کهف و آیه ۹۶ سوره انبیا آمده است: حتی اذا بلغ بین السدین وجد من دونهما قوما (۱۰۵) (تا رسیدن میان دو سد، آنجا قومی را یافت که سخنی فهم نمی‌کردند.)

قالوا یا ذالقرنین ان یا جوج و ماجوج مفسدون فی الارض (۱۰۶) (آنان گفتند ای ذوالقرنین یا جوج و ماجوج فساد می‌کنند.)

در کتاب سبک خراسانی در شعر فارسی، این بیت شهید به اضافه چند بیت عربی قبل از آن به عنوان شاهد صنعت ملغم آورده شده. (۱۰۷)

۱۰- عیب باشد به کار نیک درنگ
گر شتاب آمد، ای رفیق مدام
عاقبت را هم از نخستین بین
تا به غفلت گلو نگیرد دام (۱۰۸)

بیت نخست می‌تواند الهام گرفته از روایاتی مثل «الثبت خیر من العجلة الا فی فرص البر» (۱۰۹) (درنگ از شتاب بهتر است، مگر در کارهای نیک) و بیت دوم الهام گرفته از حدیثی که (هر کس به پایان کارها بنگرد از گرفتاری ایمن می‌ماند) (۱۱۰)

فرالوی

ابو عبدالله محمد بن موسی فرالوی شاعر معاصر شهید بلخی و رودکی است.

از اشعار او ۳۷ بیت پراکنده است که به طور عمده در فرهنگ‌ها به شاهد لغت آمده (۱۱۱)، در اشعار او تلمیحی به آیه یا حدیث مشاهده نگردید.

شاکر بخارایی

از احوال او اطلاع دقیقی نداریم. خسروانی، منوچهری، دیوان سنایی از او یاد کرده‌اند؛ از اشعار او ۳۸ بیت پراکنده در کتاب‌های لغت و ادب مضبوط است. (۱۱۲)

از اشعار او، این بیت قابل تأمل است:

۱- بدان کس که جاننش ز دانش تهیست
ستیهندنت مایه ابله‌یست

شاعر بر خورد با نادان را یادآوری می‌کند و اشاره دارد به آیه:

«و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» و آیه «و اعرض عن الجاهلین» (۱۱۳) (وقتی با جاهلان برخورد کردی به آنها سلام کن و از جاهلان دوری کن)

جلاب بخارایی

از شاعران متقدم پارسی گوی قرن چهارم است. از اشعار او فقط چهار بیت در فرهنگ‌ها مضبوط است، که تلمیحی به آیه و حدیث ندارد. (۱۱۴)

بی‌نوشت

۱- نسخن زیرلی.

۲- میان دوستان رازی است که نه سخنی آنرا آشکار می‌کند و نه قلمی برای مردم حکایت می‌کند.

۳- فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث مشهوری، چاپ پنجم، مقدمه ص ب و ج.

۴- شعار، جعفر، دیوان شعر رودکی، ص ۱۶.

۵- سیوطی، جامع صغیر، طبع مصر، ج ۱، ص ۱۰۸؛ احیاء علوم دین، طبع مصر، ج ۲، ص ۱۵۹.

۶- پیشین، دیوان شعر رودکی، ص ۱۶.

۷- فروزانفر، احادیث مشهوری، مقدمه ص د.

۸- برتلس، تاریخ ادبیات فارسی - تاجیکی، ص ۲۰۹.

۹- ۵۵/طه.

۱۰- آگین؛ پشم و پنبه.

۱۱- زمر/۳۰.

۱۲- رادویانی، ترجمان البلاغه، تصحیح: پروفیسور احمد آتش، ص ۱۲۵.

۱۳- همان، صص ۱۱۹-۱۱۸.

۱۴- دکتر محجوب، محمد جعفر، سبک خراسانی در شعر فارسی، ص ۵۲.

۱۵- سیوطی، جلال‌الدین، الاتقاق علوم القرآن، انتشارات دارالندوه الجدیده، بیروت، ج ۱، ص ۱۱۱.

۱۶- مولانا، مشهوری، دفتر سوم، ب ۱۷۲۳.

۱۷- فروزانفر، احادیث مشهوری، ص ۸۱، به نقل از احیاء العلوم غزالی، ج ۳، ص ۱۴۸.

۱۸- پیشین، دیوان اشعار رودکی، ص ۱۶؛ دبیر سیاقی، پیشاهنگان شعر پارسی، ص ۲۷.

۱۹- انعام/۵۹.

۲۰- ناصر خسرو، دیوان اشعار، به تصحیح: مجتبی مینوی و مهلتی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۱۹.

۲۱- اقبال آشتیانی، عباس، مجموعه مقالات، بخش اول، ص ۲۱.

۲۲- پیشاهنگان شعر پارسی، ص ۱۰.

۲۳- صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۶۹.

۲۴- محجوب، محمد جعفر، سبک خراسانی در شعر فارسی، صص ۱ و ۲.

۲۵- پیشین، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۶۶.

۲۶- نام دروازه شهر زرنج سیستان.

۲۷- نام دروازه دیگر شهر زرنج سیستان.

۲۸- منبری، شاعران بی‌دیوان، ص ۱۰، به نقل از تاریخ سیستان، صص ۲۱۰ و ۲۵۳ و ۲۶۰ و ۲۸۶.

۲۹- پیشین، تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۱۶۶؛ همایی، جلال‌الدین، تاریخ ادبیات ایران، ص ۵۱۵- شاعران بی‌دیوان، صص ۱ تا ۱۲۲؛ مقالات اقبال آشتیانی، صص ۲۱ تا ۲۴؛ تاریخ سیستان، صص ۲۸۶، ۲۶۰، ۲۵۳، ۲۱۰.

۳۰- لازار، ژیلبر، اشعار پراکنده قدیمی‌ترین شاعران فارسی زبان، ص ۱۳.

۳۱- غانر/۱۶.

۳۲- حج/۵۶.

۳۳- بقره/۲۴۹.

۳۴- عنکبوت/۱۴.

۳۵- آیات اول سوره، نوح، نساء/۶۳، آیات اول سوره نوح، نساء/۶۳، اعراف/۵۹، یونس/۷۱، هود/۳۶ تا ۴۹، مؤمنون/۲۳ تا ۲۸، شعر/۱۱۵ تا ۱۲۰، صفات/۷۶.

۳۶- لازار، ژیلبر، اشعار پراکنده، ص ۱۴؛ شاعران بی‌دیوان، ص ۱۱، و تاریخ سیستان ص ۲۶۰.

۳۷- غرر الحکم ج ۲/۵۰۰.

۳۸- غرر الحکم، ج ۲/۸۸.

۳۹- انسان/۳۰.

۴۰- نساء/۷۸.

۴۱- هود/۱۱۲.

۴۲- لازار، ژیلبر، اشعار پراکنده، ص ۱۵.

۴۳- زلزال/۷ و ۸ و یونس/۲۷.

۴۴- غرر الحکم، ج ۳/۱۲۸.

۴۵- همان، ۳/۱۳۹.

۴۶- صفا تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۶۷؛ شاعران بی‌دیوان، ص ۱۳؛ لازار، ژیلبر، اشعار پراکنده ۱۶، مقالات عباس اقبال، بخش اول، ص ۲۴؛ تاریخ سیستان، ص ۲۱۱.

۴۷- مائده/۹۷.

۴۸- صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۶۷؛ شاعران بی‌دیوان، ص ۱۴؛ اشعار پراکنده ص ۱۷.

۴۹- تاریخ سیستان، ص ۲۰۷، منظور، عمار خارجی که در جنگ با یعقوب لیدش کشته شد.

۵۰- انعام/ ۱۵.

۵۱- همچنین در سوره اعراف/ ۵۹، عبس/ ۳۴، مریم/ ۳۷، ترکیب واقعه بزرگ یا روز بزرگ بیان شده است.

۵۲- صفا: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۸۱؛ پیشاهنگان شعر فارسی، دکتر دبیر سیاقی، ص ۵، اشعار پراکنده، صص ۲۱ و ۲۲، عوفی، لباب الالباب، ص ۲۴۱، هدایت، مجمع الفصحا، ص ۹۴۶، شاعران بی دیوان، صص ۵ و ۶، مقالات عباس اقبال، بخش اول، ص ۵۲۸؛ دکتر محجوب، سبک خراسانی در شعر فارسی، صص ۷ تا ۱۰، ۵۸۰ در کتاب همعصران رودکی نیامده است.

۵۳- آل عمران/ ۲۸.

۵۴- نهج الفصاحه/ ۱۶۱۶.

۵۵- صفا، تاریخ ادبیات، ج ۱، ص ۱۸۱؛ شاعران بی دیوان صص ۷ و ۸؛ پیشاهنگان شعر پارسی، صص ۳؛ سبک خراسانی در شعر فارسی، صص ۶ تا ۱۰ و ۱۰ و ۱۲ و ۳۶ و ۴۶؛ اشعار پراکنده، صص ۱۹ و ۲۰ در کتاب شاعران همعصران رودکی نیامده است.

۵۶- لایزال، ژیلبر اشعار پراکنده، ص ۲۰. این بیت در کتاب های «شاعران بی دیوان» و «شاعران همعصر رودکی» و «پیشاهنگان شعر فارسی نیامده است. دکتر صفا نیز در ص ۱۸۱، ج اول این بیت را نیآورده است.

۵۷- انعام/ ۵۹.

۵۸- نمل/ ۶۵.

۵۹- صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۸۰ به نقل از مجمع الفصحا، ج ۱، ص ۵۱۱، شاعران بی دیوان ص ۱۹؛ پیشاهنگان ص ۳؛ سبک خراسانی در شعر فارسی، صص ۴ و ۵؛ اشعار پراکنده، ص ۱۸، در همعصر دیده نشد.

۶۰- فروزانفر، بدیع الزمان، سخن و سخنوران، ص ۱۵؛ دکتر صفا، تاریخ ادبیات ج ۱، ص ۱۷۹ تا ۱۸۰؛ استاد همایی، تاریخ ادبیات، ص ۵۱۱؛ مقالات عباس اقبال، ص ۵۲۸؛ شاعران بی دیوان، ص ۳ و ۴؛ اشعار پراکنده، ص ۱۲؛ لباب الالباب ص ۲۴۱؛ مجمع الفصحا، ص ۶۰۰؛ فرهنگ جهانگیری ۶۳۷؛ سبک خراسانی ص ۶ تا ۱۰؛ مجله معارف شماره ۲، نخستین شاعر فارسی سرای، صادقی.

۶۱- پیشاهنگان شعر پارسی، ص ۳؛ سبک خراسانی در شعر فارسی، ص ۶.

۶۲- آل عمران/ ۱۵۷.

۶۳- نهج الفصاحه/ حدیث ۳۲۵.

۶۴- همان/ حدیث ۲۸۸۴.

۶۵- شاعران بی دیوان، ص ۱۷، به نقل از المعجم، ص ۲۰۱، نفسی، احوال و اشعار رودکی ص ۱۶۵ تا ۱۵۴؛ صفا: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۷۸.

۶۶- شاعران بی دیوان، ص ۱۹، شاعران

همعصر صص ۲۲-۲۰؛ صفا، تاریخ ادبیات، ج ۱، ص ۳۷۱؛ اشعار پراکنده، ص ۲۷.

۶۷- پیشین... صص ۲۰ و ۲۱؛ سبک خراسانی در شعر فارسی، صص ۲۷-۲۸-۳۳-۵۰؛ شاعران همعصر رودکی، صص ۶۹ تا ۷۵.

۶۸- شاعران بی دیوان، صص ۲۲ تا ۲۳؛ همعصر ص ۴۰؛ سبک خراسانی در شعر فارسی ص ۲۲.

۶۹- شاعران بی دیوان، ص ۲۴ به نقل از عباس مهزین؛ تاریخ ادبیات ایران در عصر سامانی و غزنوی، ص ۵۷.

۷۰- شاعران بی دیوان، صص ۲۶ تا ۳۷؛ دکتر صفا: تاریخ ادبیات در ایران، صص ۳۸۹ تا ۳۹۳؛ شبلی نعمانی، شعر المعجم، صص ۴۲ تا ۴۳؛ اشعار پراکنده صص ۲۳ تا ۳۹؛ پیشاهنگان شعر فارسی، صص ۸ و ۹، مقالات عباس اقبال ج ۱ ص ۳۱؛ در همعصر نیامده است. لباب الالباب ص ۲۴۳.

۷۱- همان ص ۲۶، از یقین شاعران نیز در ستایش از او اشعار آورده است.

۷۲- سبک خراسانی در شعر فارسی، ص ۳۰ به نقل از گنج بازیافته دبیر سیاقی صص ۴-۵. ۷۳- برتلس، تاریخ ادبیات فارسی- تاجیکی، صص ۲۳۰ و ۲۲۹.

۷۴- اشعار پراکنده ص ۳۵؛ صفا، تاریخ ادبیات در ایران ج ۱ ص ۳۹۲؛ پیشاهنگان شعر پارسی، ص ۱۱.

۷۵- مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴/ ۲۸۵.

۷۶- همان، ج ۷۴/ ۲۸۷.

۷۷- صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱ ص ۳۹۲؛ اشعار پراکنده ص ۳۵؛ پیشاهنگان شعر پارسی ص ۱۱؛ سبک خراسانی در شعر فارسی ص ۵۴.

۷۸- انبیا، ج ۶۸ و ۶۹.

۷۹- پیشاهنگان شعر پارسی ص ۱۲؛ اشعار پراکنده ص ۲۴.

۸۰- مجادله/ ۱۱.

۸۱- غرر الحکم، ج ۲/ ۵۰۲/ ۹.

۸۲- همان، ج ۳/ ۳۸۴.

۸۳- هجویری، کشف المحجوب، ص

۴۳۲؛ میندی، کشف الاسرار، ج ۲/ ۶۲۲ و ج ۳/ ۴۲۲ و ج ۸/ ۹۶ و ج ۱۰/ ۶۴۱.

۸۴- نهج الفصاحه/ ۳۰۶۱.

۸۵- اشعار پراکنده، ص ۲۷؛ پیشاهنگان،

ص ۱۲.

۸۶- بنی اسرائیل/ ۷۹.

۸۷- کشف الاسرار، ج ۱/ ۵۱۰.

۸۸- همان، ج ۵/ ۶۲۳.

۸۹- نهج الفصاحه/ حدیث ۱۶۵۸.

۹۰- اشعار پراکنده ص ۳۶؛ سبک خراسانی

در شعر فارسی ص ۵۴؛ شاعران بی دیوان، ص ۳۷، این بیت در پیشاهنگان شعر فارسی و در شاعران همعصر رودکی نیز نیامده است.

۹۱- پیشاهنگان شعر فارسی ص ۱۱۳؛ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱/ ۳۹۲؛ اشعار پراکنده ص ۳۴.

۹۲- فاطر/ ۲۸.

۹۳- بلد/ ۴.

۹۴- آل عمران/ ۷.

۹۵- نهج الفصاحه/ ۸۶۵.

۹۶- همان/ ۱۰۶۸.

۹۷- اشعار پراکنده ص ۲۸؛ پیشاهنگان شعر فارسی ص ۱۳.

۹۸- آل عمران/ ۲۳.

۹۹- اشعار پراکنده ص ۳۴؛ پیشاهنگان شعر فارسی ص ۱۴؛ شاعران بی دیوان ص ۳۶.

۱۰۰- بقره/ ۲۵.

۱۰۱- همچنین آیات آل عمران/ ۱۵ و ۱۳۶،

نحل/ ۳۰ و ۳۱، ابراهیم/ ۲۳، کهف/ ۳۱، مریم/ ۶۱، طه/ ۷۶، فاطر/ ۲۳، ص/ ۵۰، یس/ ۸۰ به مفهوم بیت مورد نظر اشاره دارد.

۱۰۲- ابوسعید ابی الخیر، اسرار التوحید، تصحیح: شفیع کنکنی ج اول، ص ۳۳۸.

۱۰۳- فروزانفر: احادیث مشهوری، ص ۷.

۱۰۴- اشعار پراکنده ص ۲۳؛ سبک خراسانی در شعر فارسی ص ۵۴.

۱۰۵- کهف/ ۹۳.

۱۰۶- همان/ ۹۴.

۱۰۷- سبک خراسانی ص ۵۷ به نقل از ترجمان البلاغه، ص ۸۴.

۱۰۸- اشعار پراکنده ص ۳۰؛ شاعران بی دیوان ص ۳۳.

۱۰۹- غرر الحکم، ج ۲، ص ۳۸۴.

۱۱۰- غرر الحکم، ج ۵/ ۲۱۴.

۱۱۱- شاعران بی دیوان، صص ۳۸ تا ۴۳.

۱۱۲- همان، صص ۴۴ تا ۵۰، دانشنامه ادب

فارسی ص ۵۴۷؛ شاعران همعصر رودکی، صص ۷۶ تا ۷۹؛ تاریخ ادبیات صفا، ج ۱، ص ۳۹۹؛ دکتر محجوب، سبک شناسی صص ۷، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۵، ۶۹۵.

۱۱۳- اعراف/ ۱۹۹.

۱۱۴- شاعران بی دیوان ص ۵۱؛ شاعران همعصر رودکی صص ۶۹ تا ۷۵؛ سبک خراسانی در شعر فارسی، صص ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۳۲، ۱۴۳.